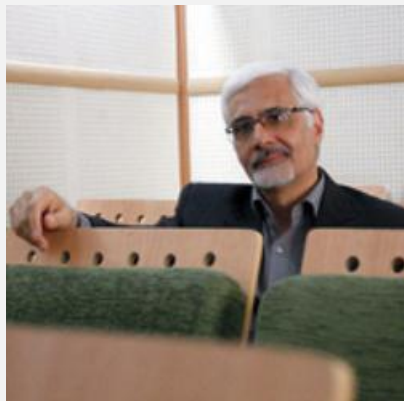


تعاملات شش گانه در بحث آزادی / تأثیرات آزادی

اعتقادات توحیدی و خدامحوری می تواند هنجاری اخلاقی تولید کند و این هنجارهای اخلاقی رفتارها را قاعده مند می کند.



خبرگزاری مهر- اعتقادات توحیدی و خدامحوری می تواند هنجاری اخلاقی تولید کند و این هنجارهای اخلاقی رفتارها را قاعده مند می کند. به رفتار منصفانه و اخلاقی حتی با مخالفان سیاسی و اعتقادی حکم می کند. اگر خدا نباشد هرکاری مجاز است؛¹⁷¹ تأثیر آزادی اعتقادی بر آزادی اخلاقی

پرسش این است که با فرض سبدهای سه گانه اعتقادات، اخلاقیات، و احکام و بازتاب آن بر بحث آزادی، آزادی اعتقادی و اعتقادات کلی و اعتقادات سیاسی:

اولاً: چگونه آزادی اخلاقی و معنوی در سیاست را تولید می کند؟

ثانیاً: چگونه آزادی و اخلاقی و معنوی در سیاست را محدود می کند؟

تولید کننده آزادی

اعتقادات توحیدی و خدامحوری می تواند هنجاری اخلاقی تولید کند و این هنجارهای اخلاقی رفتارها را قاعده مند می کند. به رفتار منصفانه و اخلاقی حتی با مخالفان سیاسی و اعتقادی حکم می کند. اگر خدا نباشد هرکاری مجاز است؛¹⁷¹

- اعتقادات در موقعیت حکمت نظری بر اخلاقیات در موقعیت حکمت عملی به صورت سلسه مراتبی اثرگذاری دارد.

- اعتقادات الهی فرد را در تعامل با ¹⁷¹مخالفان سیاسی؛ خود در مقیاس فردی، خوبی و دولتی یا بین المللی وادار می کند تا مطابق با هنجارهای اخلاق اسلامی عمل کنیم.

- اعتقاداتی چون حسن ظن به خداوند، حسن خلق فرد با مردم را به دنبال دارد و خودساز و کار تولید کننده آزادی است.

- اعتقادات الهی- اسلامی به فرد وسعت نظر می دهد و اینکه هستی را محدود به این دنیا نکند و اینکه ذره ای از اعمال انسان بدون محاسبه نمی ماند. این نوع نگاه، نوعی بستر مساعد اخلاقی برای فرد فراهم می کند و این امر اولاً: تولید کننده آزادی در خود فرد و آزادسازی درونی است. ثانیاً تولید کننده آزادی دیگران از سوی او می شود. به ویژه اگر این فرد، دولتمرد باشد که در این صورت در شعاع وسیع تری به رعایت آزادی دیگران می انجامد.

- اعتقادات به آخرت، فرد را از بند تعلق به دنیا می رهاوند. این امر موجب می شود در عمل آزادی دیگران را محترم شمرد. زیرا انسان تا زمانی که دوست دار دنیا باشد، اسیر شهوات، خشم و حرص خود باشد، نمی تواند پاسدار آزادی دیگران باشد. اعتقاد به معاد، سرچشمه همه آزادی های واقعی است. او را از اسارت و بندگی هوای نفس می رهاوند و راه را برای آراستگی به اخلاق جاودانه و آزادی معنوی فراهم می کند.

محدود کننده آزادی فرد خاطی یا تولید کننده

اعتقادات الهی، در محورهای توحید، معاد، نبوت موجب شکل گیری ملکه¹⁷¹؛ عدالت؛ در فرد می شود. ملکه عدالت در فرد، آزادی لجام گسیخته فرد را در شکل خدشه دار کردن آزادی دیگران را مهار می کند. این مهار از سوی یک نیروی قدرتمند درونی است. بنابراین عدالت به مثابه یک ملکه اخلاقی که خود از سرچشمه های معرفتی ناشی می شود، رفتارهای عادلانه و منصفانه معطوف به دیگران و زیردستان تولید می کنند و این نوع ¹⁷¹محدودیت آزادی؛ معطوف به فرد درواقع به گونه تناقض نمایی به ¹⁷¹تولید آزادی؛ برای دیگران می انجامد.

2- تأثیر آزادی اعتقادی بر آزادی رفتاری

آزادی اعتقادی، اعتقادات کلی و یا اعتقادات سیاسی؛

اولاً: چگونه آزادی فقهی، آزادی رفتاری و آزادی سیاسی را تولید می کند؟

ثانیاً: چگونه آزادی فقهی، آزادی رفتاری و آزادی سیاسی را محدود می کند؟

تولید کننده آزادی رفتاری

- اعتقاد به نفی ولایت انسان بر انسان و نفی عبودیت انسان نسبت به انسان، موجب فضای آزادی بر انسان مؤمن می شود.

- اعتقاد به توحید افعالی، موجب می شود که فرد مؤمن در قبال سلطه دیگران به عنوان محدود کننده به مقابله برخیزد.

- در بخش اعتقادات معطوف به آزادی، وظیفه دفاع عقلانی از آزادی های مشروع انجام می شود. اصالت اصلی آزادی انسان می تواند تمام ابواب فقه را مشروب کند و بر آنها اثرگذاری کند.

- قول به «اختیار"؛ می تواند آزادی فرد را تولید کند. مباحث آزادی به مفهوم هستی شناسانه آن، به نحوی بنیادین به تولید آزادی فردی، اجتماعی و سیاسی می انجامد. این آزادی بدون پیش فرض انسان خودمختار و مسئول نسبت به انتخاب هایش وجود نخواهد داشت.

محدود کننده آزادی رفتاری

اعتقاد به اینکه انسان «ذات نامستقل"؛ است و به طور مستقل نمی تواند به سعادت و خوشبختی دست یابد و محتاج هدایت الهی توسط پیامبران الهی است و در نتیجه شریعت، آزادی انسان را از این حیث محدود می کند و فرد مؤمن آزادی عمل مطلق را ندارد.

- اعتقاد به «عدالت"؛ به عنوان یک اصل اعتقادی و به عنوان یک «ارزش مطلق"؛ یعنی در همه زمان ها، مکان ها و وضعیت ها، بر آزادی به عنوان یک «ارزش نسبی"؛ به ویژه در هنگامه تراحم آزادی و عدالت به محدود شدن آزادی به نفع عدالت می انجامد.

- اعتقاد به حق بودن و طرح دوگانه حق و باطل موجب می شود که آزادی دارای پیش فرض حقانیت و حق بودن باشد و بنابراین موجبات محدود کردن آزادی در عرصه باطل ها می شود.

- اعتقاد به اصل «آزادی مسئولانه"؛ یعنی مسئولیت انسان در قبال خداوند، موجب محدود شدن آزادی عمل انسان می شود؛ زیرا انسان در هنگام آزادی باید بیندیشد و باید پاسخ گوی اعمال خود باشد.

- اعتقاد به «فطرت اجتماعی"؛ انسان به عنوان یک بحث کلامی و فلسفی و اعتقادی به آنجا می انجامد که فرد باید تن به ضرورت زندگی اجتماعی دهد و این امر موجب می شود که بر خلاف آزادی تکوینی و اولیه اش، به ناچار اراده اش را با اراده دیگران و فعالیت های دیگران، همراه و سازگار کند. نتیجه آن می شود که انسان در برابر یک سری از قواعد و قوانینی که اراده ها و فعالیت هایش را محدود می کنند، خاضع و تسلیم شود. درواقع همان تکوین و طبیعتی که به وی آزادی اراده و عمل بخشیده است، خود محدود اراده و عمل انسان هم شود و آن آزادی طبیعی اولیه را محدود کند.

- اعتقاد به نفی غایت بودن آزادی و نفی ارزش مطلق آزادی و نقش ابزاری آزادی برای نیل به اهداف عالی تر نظیر رشد و کمال و سعادت دنیوی و اخروی و خود به نوعی محدود کننده آزادی است.

- اعتقاد به اصل «سودمندی"؛ آزادی برای انسان، به نوعی آزادی را مشروط می کند. بنابراین در صورت مضر بودن آزادی، فرد حتی نمی تواند در رفتار با خود، آزادی مطلق عملیاتی داشته باشد.

3- تأثیر آزادی اخلاقی (خلقیات) بر آزادی اندیشه

پرسش این است که اولاً: خلیات فضیلت چگونه آزادی اندیشه ای را تولید می کند؟ یا آن را متأثر می کند؟ ثانیاً خلیات رذیله چگونه آزادی اندیشه ای را محدود می کند؟

تولید آزادی

1-#171« تقوا؛ موجب تأثیرات مثبتی بر آزادی اندیشه می شود و موجب#171« روشن بینی؛ و ایجاد قدرت فرقان حق و باطل در فرد می شود. ان تتقوالله يجعل لكم فرقانا.

2- اخلاص ورزیدن موجب تأثیرات مثبتی بر آزادی تفکر و اندیشه ورزی می شود. #171« اخلاص در چهل روز موجب جاری شدن حکمت بر زبان مخلص می شود.؛

3-تهذیب نفس و ورود؛#171« علم؛ به قلب فرد مذهب اخلاقی: لبس العلم بالتعلیم، انما هونور یقذف الله فی قلب من یشاء(امام صادق).

4-تهذیب نفس موجب ماندگاری علم و اندیشه ناب در شخص مذهب می شود، و در واقع بستر اخلاقی مساعد، زمینه مثبتی برای آزادگی فکری و اندیشه ای و پرورش اندیشه های ناب فراهم می کند.

خلیات محدود کننده آزادی اندیشه

تعصبات و خلیات منفی قبیله کرایانه و حب و بغض های نابجا، چشم و گوش فرد را از کارکرد می اندازند و تعطیل می کند. در نتیجه فرد، به درستی نمی تواند تفکر و اندیشه کند. #171« حب الشی یعمی و یصم؛

-عدم ورود اندیشه های ناب و اصیل در بستر اخلاقی نامساعد فرد یا جامعه یا عدم ماندگاری آن: لا یدخل الملائکه فیه کلب اوصوره الکلب.

-#171« اندیشه معطوف به هوس؛ یا اندیشه غیر قابل احترام به دلیل اتکای غیر فکری آن مشمول آزادی نمی شود. صرفاً اندیشه های حقانی از آزادی برخوردارند و اندیشه های باطل گرا، شایسته احترام و حمایت و آزادی نمی باشند. این همان تفکیک استاد مطهری بین اندیشه(اعتقاد مبتنی بر تفکر) و عقیده(اعتقادی که مبنای فکری ندارد بلکه مبنای آن وراثت، تقلید، عادت، تعصب، خصومت و هوی و هوس است. اندیشه ای که بعضاً نسل به نسل منتقل می شود)قائل می شود. به نظر وی اندیشه فقط می تواند قابل احترام باشد و مشمول آزادی شود. اما عقیده نمی تواند قابل احترام و شایسته حمایت باشد و مشمول آزادی قرار گیرد.

4-تأثیر آزادی اخلاقی بر آزادی سیاسی

آزادی اخلاقی و معنوی یا روحی در قالب مدخل هایی چون تهذیب نفس و مالک نفس شدن، تقوا و خویشتن داری، اخلاص، عبادت، زهد و تمایلات خیرخواهانه می تواند به طور مستقیم بر آزادی سیاسی در دو قالب تولید کننده یا محدود کننده آزادی فرد تأثیرگذاری داشته باشد.

تولید کننده آزادی

-آزادی معنوی یا روحی از دیرباز در کانون توجه حکیمان و عارفان از جمله حکیمان رواقی یونان و عالمان بودایی و قدیسان مسیحی و عارفان و زاهدان یهودی و مسلمانان بوده است. استاد مطهری آن را در حد اعلای خود توصیف کرده است.

- هر چند این نوع آزادی به نوعی منطق فردگرایانه دارد، با این همه به طور غیر مستقیم بر آزادی سیاسی و اجتماعی اثرگذاری دارد. زیرا فردی که صاحب آزادی معنوی و روحی شده باشد و صاحب روح بلند و همت والا و رهیده از وابستگی های حقیر باشد، به راحتی می تواند با پرداخت هزینه جان و مال و وقت و اعتبار برای رسیدن به آزادی خود و آزاد سازی دیگران اقدام کند و علیه سلب کنندگان آزادی خود و مردم قیام کند.

-تربیت اخلاقی اسلام بر محور احساس کرامت انسان نسبت به خود و دیگران به وجه عام آن و به مقتضای آیه شریفه ولقد کرمتنا بنی آدم و نیز حس تکریم خاص که یک فرد مؤمن از آن برخوردار است، مبتنی است. فردی که حامل تکریم و گرمی داشت الهی است. اولاً: این احساس کرامت او را بعدها در آزادی و کرامت خود پاسداری کند و ثانیاً: همین احساس کرامت نسبت به هموعان و نسبت به مؤمنان دیگر اعمال می کند و آزادی سیاسی آنان را لگد مال نمی کند.

- هنجارهای اخلاقی می تواند اعطاء کننده آزادی به فرد باشد و فرد را از درون آزاد کند. این فرد از درون آزاد شده، دارای ذخیره مثبت و زمینه مساعدی برای اکتساب آزادی بیرونی یا آزادی سیاسی است. وقتی آزادی معنوی در آزاد سازی سیاسی و بیرونی اثرگذاری مثبت داشته باشد، می توان از آن به #171« آزادی معنوی فعال؛ یادکرد.